

پوهنیار بشیر مومن

جامعه شناسی فساد

در مغز پر فساد کجا آید
جز کج خیال فاسد مهمانی
«ناصر خسرو بلخی»

بروز فساد و رفتار غیر اخلاقی از طرف مردم هر جامعه‌ای کما بیش وجود دارد و نمی‌توانیم جامعه‌ای را بیابیم که از این موارد مستثنی باشد و آن جامعه را کاملاً جامعه بدون فساد، آرمانی و مبتنی بر اخلاق و قانون بنامیم. اما شرایط امروز جامعه ما و آمار و ارقام نشان می‌دهد که جامعه ما به دلیل بروز موارد غیر اخلاقی، خلاف عرف و قانون، جامعه‌ای است سراپا بحرانی و گاه پژوهشگران و جامعه‌شناسان موارد اتفاق افتاده در جامعه را شبیه جامعه‌ای می‌دانند که در حال سقوط اخلاقی است. معلوم است که دولت در جهت مبارزه با این عامل نامطلوب توجه چندانی ندارد و بی‌خبر از این که این بی‌طرفی و بی‌تفاوتی مشکل بیشتر برای تنظیم و مدیریت در جامعه را ایجاد خواهد کرد. تدابیری که در زمینه مبارزه با فساد به اجرا می‌رسند ناکافی بوده و باید اصلاحات کامل در بخش‌های مهم جامعه تهیه و مورد اجرا قرار گیرند. آنچه که از سوی نهادهای رسمی انجام می‌گیرد، تظاهری بیش نیست و ادامه چنین وضع کشور را به نابودی می‌کشاند. شاید یکی از عوامل افزایش فساد در کشور بالا بودن میزان بیکاری و سطح پایین حقوق در بیشتر بخش‌های اقتصاد باشد. در وضعیتی که مردم از عادی‌ترین امکان دسترسی به مزایا و حمایت‌های اجتماعی محرومند فساد در تمامی بخش‌ها ریشه دار شده و نبود یک سیاست درست و سالم انتخاب و جابجایی کادری در نهادهای مهم باعث افزایش موارد فساد شده است. برای موثر بودن تدابیر مبارزه با فساد لازم است که اقداماتی در سطح مقامات ارشد انجام گیرد. با تاسف که فساد مالی و اداری در حال حاضر در افغانستان، به یک فرهنگ مبدل شده است. غصب زمین و ملکیت‌های عامه و خصوصی نیز در افغانستان رواج یافته است. زورمندان حکومتی و خیش و تبارشان نیز در این امر دست دارند.

از روزگار روان کشور چنین بر می‌آید، اگر تمامی اربابان قدرت که در فساد مالی و اداری دست دارند، به محاکمه کشانده شوند، دولت سقوط خواهد کرد چون بسیاری از زورمندان و خیش و تبارشان، در فساد مالی و اداری دست دارند. اکثریت از کسانی که برای رسیدن به قدرت و پست‌های حکومتی از داخل و خارج کشور سرا زیر شدند، هد فشان در قدم اول رسیدن به اهرم های فساد مالی و اداری است. این وضعیت باعث گردیده که بسیاری‌ها فکر کنند، یگانه راه رسیدن به ثروت افسانوی، وصل شدن به شبکه‌ی فساد مالی و اداری در سمت‌های بلند حکومتی است. سیستم حکومتی افغانستان به حدی با فساد مالی و اداری آمیلا گردیده است که حتا کسانی را که در داخل و خارج کشور داعیه‌ی خدمت به وطن داشتند نیز فاسد ساخته است. وسعت فساد مالی و اداری، تهدید بزرگی برای افغانستان است بخصوص حالا که کمک‌های جهانی وابسته به مبارزه با آن شده است. بنابراین برای مبارزه با فساد مالی و اداری، یک اراده قاطع سیاسی نیاز است. متأسفانه تا حال پرزیدنت کرزی و در مجموع حکومت افغانستان، چنین اراده‌ای از خود نشان نداده‌اند. جناب کرزی بارها وعده کرده که با فساد مالی و اداری مبارزه می‌کند. ولی موصوف تاکنون هیچ اقدامی انجام نداده است که بتوان با استناد به آن، حرف‌هایش را در مورد مبارزه با فساد اداری اعتماد کرد.

وعده‌های چند سال گذشته نشان داده است که پرزیدنت کرزی بسیار ضعیف تر از آن است که بتواند با مافیای فساد اداری در کشورش برخورد جدی کند. در مهمترین اداره‌های حکومت افغانستان نزدیکان بسیاری از جنگ سالاران جابجا شده‌اند. بسیاری از این جنگ سالاران اردوی خصوصی دارند و برخی از آن‌ها روابط بسیار خوبی با ایالات متحده امریکا نیز دارند. تعداد از وزرا، والیان و معاونان جناب کرزی و غیره کسانی هستند که در تفرشان پرزیدنت کرزی نقش ندارد. لذا از وی اطاعت هم نمی‌کنند. یعنی حتی اگر رییس جمهور بخواهد هم نمی‌تواند برخلاف خواسته‌ها اشرار بی فرهنگ «جنگ سالارانی که حکومت را کاملاً در کنترل دارند، اصلاحاتی را به پیش ببرد. در این میان تن چند از «روشنفکران» مبتلا به مریضی عجیب شده‌اند که در هنگام قضاوت کردن در مورد اعمال برخی اوباشان به عوض بررسی جرم به قوم و تبار مجرم نگاه دارند، اگر از جنس خودشان باشد، هر حرکت قانونی را از جانب دولت دسیسه، توطئه میدانند و در پی توجیه آن «آستین و پاچه بر میزنند» که درین صورت عملاً در تقویت جنگ سالاری ممد واقع میشوند. چون جنگ سالاران علاقه‌ای به ایجاد یک حکومت قانونمدار و زنده‌گی در مملکت که ایرات آن قانون را رعایت می‌کنند، ندارند. آن‌ها در افغانستان که قانون در مورد همه به یکسان تطبیق شود، قدرت و دارایی‌هایی خود را که از راه‌های غیرقانونی اندوخته‌اند، در خطر می‌بینند. دموکراسی ظاهری برای کسب درآمد و پرکردن جیب‌های شان مفید است. زیرا به این ترتیب میلیاردها دالر کمک مالی به افغانستان سرازیر می‌شود. جامعه بین‌المللی سال‌ها است که از این وضعیت در افغانستان نه تنها اطلاع دقیق دارند، بلکه تعداد خود عملاً در آن شریک هستند.

بطور مثال فساد مالی، رشوه و اختلاس در حالی میان نیروهای آمریکایی حاضر در افغانستان گسترش یافته است که رسانه های آمریکایی و روسای جمهور دو کشور خواستار مبارزه با فساد در این کشور هستند. بر اساس اطلاعات رسمی دوسیه های مربوط به فساد مالی توسط نیروهای نظامی آمریکا که مسوول پروژه های بازسازی در افغانستان هستند به طور چشمگیری افزایش یافته است. در همین رابطه پرس تی وی در مصاحبه ای با دیو لیندارف نویسنده و روزنامه نگار نوشت: دلارهای آمریکا مخرب افغانستان هستند و فقط منجر به نابودی عراق و افغانستان شده اند. به گفته لیندارف پس از نابودی عراق نوبت به نابودی افغانستان رسیده است، در حالی که هزینه تلف شده در این جنگ ها می توانست صرف برنامه های اجتماعی شود. به گزارش رادیو بی بی سی آرنولد فیلدز بازرس خاص برنامه بازسازی افغانستان هم از تاخیر طولانی بازسازی افغانستان و افزایش مفاسد اقتصادی در این خصوص خبر داد. بنابر این تحلیلگران سیاسی بر این باورند که بخش زیادی از منابع مالی بازسازی افغانستان هم اکنون در حساب مقام های دولتی در بانک های خارج از کشور است. این افراد منابع مالی را از شرکت های قراردادی آمریکایی به صورت رشوه دریافت کرده اند. سیاستمداران غربی می دانند که هرگونه انتقاد تند از کابل به معنای انتقاد از سیاست خود آنها در قبال افغانستان است اگر مردم افغانستان که تا جایی زیاد خود را گروگان «خبرگان» سیاسی، نظامی و اجتماعی کشورشان احساس می کنند، واقعا مطمئن شوند که همه در برابر قانون یکسان هستند، در آن صورت می توان نتایج به دست آمده در کنفرانس توکیو را به عنوان موفقیت های بزرگ برای افغانستان یاد کرد. در غیر این صورت افرادی از کمک های مالی و شراکت ها در افغانستان استفاده می کنند که مستحق آن نیستند. کشورهای کمک کننده یک بار دیگر مانند سال های گذشته ادامه کمک ها را مشروط به حکومت داری خوب در افغانستان خواندند. اما این بار هم تحول اساسی در بخش اصلاحات در افغانستان ایجاد نخواهد شد. جامعه بین المللی و حامد کرزی، هر دو این واقیعت را به خوبی می دانند. پارادوکس اقتصادناپسامان و دولت ناپسانان در افغانستان نمایانگر یک مصیبت عظیم است که می باید افغانستان خود را از این بن بست نجات دهد. با این حال، هنوز فرصت های امیدوار کننده ای باقی است؛ چون عواید بالقوه از معادن، موقعیت ژئو استراتژیک افغانستان، حمایت استراتژیک کشورهای عمده جهان و نسل جوان تحصیل کرده و پویای این کشور که می تواند راه را بسوی یک آینده جدید برای افغانستان باز کند. اما استفاده از این فرصت ها، نیازمند تحرک و آوردن اصلاحات بنیادی در عرصه اقتصاد، دولت سازی و حکومتمداری است.

تجارب نشان داده که علت اصلی ناکامی پروگرام مبارزه با فساد درین است که ساختارها و افراد فاسد اند و یا به عبارت دیگر، اراده ی قوی سیاسی از سوی مقام های سیاسی و قضایی به خاطر مبارزه با فساد و اصلاح در ساختارها و سیستم های دولتی وجود ندارد. اما اگر کمی عمیق تر به مساله باندیشیم، روشن میگردد که فساد در تفکر فاسد است. پس، با تفکر فاسد نمی شود به جنگ فساد رفت. تمام صاحبان عقل و خرد میدانند، دولتی را که آقای کرزی افتخار رهبری آن را داشته، عمدتاً به یک شرکت سهامی شبیه بوده است؛ شرکتی که عده ای بدون آن که در آن سهم گذاری کنند، شریک شده اند و از وزارت تا سفارت را میان خود اسقاط کرده اند و هر قدر که بخواهند، برمی دارند و یا «دجان همدیگر میزنند». به چنین حکومتی یکبار دیگر اعتماد کردن، به معنای جفا در حق مردم افغانستان است. یگانه راه که هنوز میتوان امید وار بود این خواهد بود که جناب کرزی، بطور عاجل یک محکمه اختصاصی رسیده گی به جرایم مقامات بلندپایه را تشکیل دهد و تمامی وزراء، قضایان، والیان و سفیران متهم به فساد مالی و اداری و بستگان شان را به آن معرفی کند. این اقدام می تواند اعتماد سازی کند که آقای کرزی بالاخره در مبارزه با فساد مالی و اداری جدی شده است. یکی از خواست های اساسی درین لحظه حیاتی وطن، گذار از تفکر فاسد به تفکر سالم و در نتیجه گذار از ساختارهای فاسد به سوی ساختارهای سالم و دموکراتیک بوده است. چون تفکر فاسد و ساختارهای فاسد، همواره فسادپرور و دشمن ترقی، عدالت و پیشرفت است.

اگر یک جنگ سالار یا سیاستمداری فاسد در انتخابات ریاست جمهوری آینده پیروز شود، هرگونه کمک به افغانستان ائتلاف وقت و سرمایه است. اقتصاد افغانستان که هنوز هم به کمک های خارجی وابسته است نیز عقب گردهای جدی را تجربه خواهد کرد. وضعیت معیشتی مردم و استانداردهای زنده گی هر روز سیر نزولی تری را طی خواهد کرد. از همه بدتر آنکه شبه نظامیان نیز می توانند با ناراضیان جبهه مشترک بسازند. باوجود این هم ایالات متحده آمریکا و متحدینش هنوز هم بزرگترین نفوذ ممکن را در افغانستان دارند. پس آن ها باید همراه با مردم افغانستان و حامد کرزی، به حیث رییس جمهور کشور، قبل از خروج شان از افغانستان قدرت جنگ سالاران و طالبان را درهم بکوبند. افغان ها شاید از دخالت مستقیم ایالات متحده آمریکا در امور داخلی خود ناراضی باشند اما برخی از آمریکا برای حمایت از کاندیدایی اصلاح طلب و سالم کمک می خواهند، چون بدون حمایت آمریکا مقابله با جنگ سالاران کار دشوار است. اما، آنچه درین اواخر، در اثر فشارهای جامعه جهانی، بارها مطرح شده، مبارزه با فساد است؛ ولی مشکل اصلی اینست که تا هنوز فکر و اندیشه مبارزه با فساد به وجود نیامده است. به این معنی اگر بخشی از فساد و فتنه عینی است، ولی بخشی زیادتر فساد ریشه در شکل و ماهیت تفکر و ذهنیت مادارد. لازم به گفتن است که افغانستان دهها رییس جمهور

اینگونه را بالقوه در خود دارد که به آسانی جای کسی مثل او را پر کنند. به دلیل اینکه مردم چنین رهبر و مدیری با فکر و اندیشه فساد را نمی‌خواهند و جهان هم باید چنین افراد را دیگر بر ملت افغان تحمیل نکند. در ضمن قرار گرفتن افغانستان در فهرست کشورهای که از این پس می‌تواند از تسهیلات و تجهیزات نظامی آمریکا به صورت گسترده و آسان برخوردار شود درین شرایط حساس می‌تواند برای دولت و ملت افغانستان در صورت روی کار آمدن اصلاح طلبان و ساسیون حسابی در مبارزه با رفع زمینه های عینی و ذهنی فساد یک پشتوانه خوب باشد. هدف من روشنگری منطقی و بر حذر داشتن از مسائل مبهم و خطرناک آینده هست و وصل کردن افغانهای های عاری از فساد و بد اخلاقی از هر تبار که باشند، میباشد و نه فصل کردن، اما موافق هر وصل کردنی و هر پینه کردن هم نیستم.